

با کودکان طلاق

چگونه رفتار کنیم؟

سارا حجتاری

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی - اصفهان

هیچ‌کس در خانواده از تأثیرات نامطلوب طلاق گریزی ندارد. طلاق و جدایی والدین پدیده‌ای ناخوشایند و نامطلوب است که غالباً پس از یک دوره کشمکش و درگیری‌های شدید خانوادگی به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر فشارهای روانی که در پی کشمکش‌های فزاینده والدین و طلاق بر کودک و نوجوان تحمیل می‌گردد، فشارهای روانی دیگری نیز

به عنوان پیامدهای جانبی طلاق وجود دارد که گاه مجموع این فشارها می‌تواند کودک را به مرز بیماری‌های اعصاب و روان، ناسازگاری‌های اجتماعی و عاطفی نیز بکشاند. اولین سال طلاق پرتنش‌ترین سال برای والدین است، زیرا با بسیاری از مشکلات تازه و دشواری‌های مربوط به امور مالی و خانوادگی مواجه‌اند. بعد از طلاق درآمد مادر مجرد به شدت کاهش می‌یابد،



روانشناسان و مراکز تخصصی
مراکز تخصصی روانشناسی و مطالعات فرهنگی
مراکز تخصصی روانشناسی و مطالعات فرهنگی



پژوهش
مراکز تخصصی روانشناسی و مطالعات فرهنگی

شماره ۳۳۳
شماره ۳۳۳

و این در صورتی است که مادری که سرپرستی کودک به او واگذار شده است، شاغل باشد. مادران خانه‌داری که حضانت کودک به آن‌ها واگذار شده، غالباً با مشکلات مالی عدیدهای روبه‌رو می‌شوند که خواه ناخواه این فشار، کودکان آن‌ها را نیز درگیر می‌سازد. خانواده‌ها معمولاً پس از طلاق خانه را می‌فروشند و به محل دیگری می‌روند. در بسیاری از موارد، غیر از مسائل مربوط به کودک طلاق، جا به جا شدن، به خودی خود، مسائلی از قبیل سازگاری را به دنبال خواهد داشت. اکثر اوقات در چنین شرایطی خودپنداره والدین دچار تزلزل می‌شود و احساس اضطراب، افسردگی، خشم، طردشدگی و ناتوانی و بی‌کفایتی در برقراری روابط پر معنا به وجود می‌آید. این احساسات همانند امواجی حریم روانی و عاطفی کودک را متأثر می‌سازد و کودک علاوه بر شرایط جدید والدین، ناچار به تحمل پدیده‌های جانبی طلاق نیز خواهد بود. در این مقاله که به منظور بررسی وضعیت سازگاری عاطفی و اجتماعی کودکان طلاق نگاشته شده است، به دنبال طرح شیوه‌های صحیح برخورد با کودکان متأثر از این پدیده نامطلوب خانوادگی و اجتماعی نیز خواهیم بود. می‌گوییم پدیده نامطلوب اجتماعی، چرا که بدون شك طلاق پدیده‌ای نیست که تنها چارچوب يك خانواده را متأثر سازد، بلکه اجتماع نیز از پیامدهای سوء چنین اقدامی بی‌بهره نخواهد ماند.

همان‌طور که انتظار می‌رود تنش و احساس ناامنی والدین طلاق گرفته در رابطه بین آنان و کودکان انعکاس می‌یابد. مطالعات نشان داده است افرادی که تازه طلاق گرفته بودند در مقایسه با والدین دیگر کمتر به فرزندان خود محبت می‌کردند، محدودیت بیشتری برای آنان قائل می‌شدند، کمتر توقع رفتار بالغانه از فرزندان خود داشتند، نحوه برقراری ارتباطشان

بدترین تأثیرات طلاق بر فرزندان، در سال اول طلاق بروز می‌کند و این تأثیرات در پسران شدیدتر از دختران و مداوم‌تر از ایشان می‌باشد. پسران غالباً بعد از طلاق مشکلات شناختی، عاطفی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند و بیش از دختران احتمال دارد که پرخاشگر، تکانشی و در عین حال وابسته، مضطرب و فاقد احساس مسئولیت شوند.

۳۲

پسند

نشریه معلقه آموزشی - تربیتی
شماره ۱۳۸۵ - شماره ۲۲۹

ضعیف‌تر بود، در انضباط ثبات قدم کمتری داشتند و کمتر می‌توانستند بر فرزندان خود کنترل داشته باشند. رابطه بین مادر و پسر، به‌خصوص در این مرحله، بسیار ضعیف است (ماسن، ۱۳۸۳، ترجمه یاسایی).

بررسی‌ها نشان می‌دهد در دو ماه اول جدایی، پدران مایل‌اند تماس بیشتری با فرزندان خود داشته باشند و در ابتدا کنش متقابل بسیاری با بچه‌ها دارند، ولی این نوع رابطه به سرعت تغییر می‌کند و بعد از چند ماه اغلب پدران طلاق گرفته تماس بسیار کمی با فرزندان خود دارند (همان منبع).

می‌توان به جرئت اذعان داشت که بدترین تأثیرات طلاق بر فرزندان، در سال اول طلاق بروز می‌کند و این تأثیرات در پسران شدیدتر از دختران و مداوم‌تر از ایشان می‌باشد. پسران غالباً بعد از طلاق مشکلات شناختی، عاطفی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند و بیش از دختران احتمال دارد که پرخاشگر، تکانشی و در عین حال وابسته، مضطرب و فاقد احساس مسئولیت شوند.

به نظر می‌رسد که کودکان پیش مدرسه‌ای بیشتر مستعد این تأثیرات منفی باشند، شاید به این دلیل که سطح رشد شناختی آنان هنوز در حدی نیست که بفهمند چه اتفاقی افتاده است و شاید در علت جدایی والدینشان دچار سوء تعبیر شوند.

به طور معمول، بسیاری از کودکان درست بعد از طلاق، دچار کابوس می‌شوند، بازی‌هایشان حاکی از افسردگی است، خورد و خوراکشان دچار اختلال می‌شود، شب‌آدراری دارند و از این‌که ممکن است خودشان باعث جدایی شده باشند، احساس گناه می‌کنند (هترینگتون، کاکس، ۱۹۷۹).

در يك بررسی، کودکانی که پدر و مادرشان از هم جدا شده بودند در مهد کودک و هنگام کنش متقابل با همسالان مورد مشاهده قرار گرفتند. این‌گونه کودکان کمتر بچه‌های دیگر را بغل می‌کردند، کمتر لبخند می‌زدند و بیشتر گریه می‌کردند و نق می‌زدند. این گرایش‌ها از دو ماه بعد از طلاق تا يك سال بعد از آن ادامه داشت. کودکان پیش مدرسه‌ای خانواده‌های از هم پاشیده در مقایسه با کودکان خانواده‌های معمولی و حتی خانواده‌هایی که پدر و مادر اختلاف بسیار دارند، ناسازگارترند و رفتارشان نابالغانه‌تر است (ماسن، ۱۳۸۳، ترجمه یاسایی).

کودکان مدرسه رو ممکن است در مقایسه با کودکان پیش مدرسه‌ای بهتر بتوانند سازگاری نشان دهند، زیرا از مشکلات والدینشان آگاهی بیشتری دارند و معمولاً علت

در یک بررسی، کودکانی که پدر و مادرشان از هم جدا شده بودند در مهد کودک و هنگام کنش با همسالان مورد مشاهده قرار گرفتند. کودکان کمتر بچه‌های دیگر را بغل می‌زدند.

طلاق را بهتر می‌فهمند. علاوه بر این، احساسات خود را بهتر درک می‌کنند و تنش یا غمگینی خود را بهتر ابراز می‌کنند؛ با وجود این، کودکان در این گروه سنی معمولاً احساس طردشدگی از سوی والدین می‌کنند و بعد از طلاق از آنان خشمگین می‌شوند. به‌خصوص در مورد پسران، عملکردشان در مدرسه ضعیف می‌شود و هم در خانه و هم در مدرسه، مشکلات رفتاری در آنان بروز می‌کند (والراشتاین و کلی، ۱۹۸۵).

بدیهی است که سن کودک به تنهایی عامل تعیین‌کننده سازگاری اجتماعی و خانوادگی کودک نیست. عواملی که در سازگاری کودکان طلاق تأثیر دارند عبارت‌اند از:

الف) کیفیت رابطه کودک با هر دو والد.

ب) کیفیت زندگی خانواده طلاق گرفته.

ج) میزان تأثیر طلاق بر حل مشکلاتی که آن را به‌وجود آورده بود.

د) شخصیت والدین.

ه) سبک فرزندپروری والدین.

و) وجود رابطه‌ای مستمر و نزدیک با والد غیر مراقب.

شایان ذکر است کودکانی که فاقد رابطه‌ای مستمر با والد غیر مراقب باشند، احتمال بیشتری دارد که بعد از طلاق والدین دچار افسردگی شده، عزت نفس آسیب دیده‌ای نشان دهند (ساراسون، ۱۳۸۲، ترجمه نجاریان و همکاران).

کنش متقابل بین پدر و مادری که از یکدیگر جدا شده‌اند نیز در سازگاری کودکان نقشی مهم دارد. تضاد کمتر میان والدین و نبودن خصومت دو جانبه و توافق بر سر نحوه فرزندپروری، داشتن انضباط و نظم و تماس‌های مکرر با یکدیگر، البته در صورتی که هیچ‌یک از آن‌ها رفتارهای انحرافی یا مخرب

نداشته باشد، سبب

می‌شود که کودکان

رفتاری سازگارانه

داشته باشند (هترینگتون

و کامرا، ۱۹۸۴).

محققان چنین نتیجه

گرفته‌اند که مشکلات

سازگاری در زمینه‌های

شناختی، عاطفی و رشد

اجتماعی به احتمال زیاد

در کودکان بروز نمی‌کند،

به شرطی که مشکلات

مالی در حداقل بوده،



مطالعات فرانسوی
جامع علوم انسانی

در میان والدین نیز در سازگاری کودکان نقش مهمی دارد. توافق بر سر نحوه فرزندپروری، داشتن نظم و انضباط و تعارضهای مکرر با یکدیگر، البته در صورتی که هیچ یک از آنها رفتارهای انحرافی نداشته باشند، سبب می شود که کودکان در سازگاری کارانه داشته باشند.

رابطه بین والدین بعد از طلاق خصوصاً آمیز نباشد؛ والدین از لحاظ شیوه های فرزندپروری و انضباط داشته باشند؛ هر دو به فرزند محبت کنند؛ پدر یا مادر سرپرست کودک، روشی قاطعانه در تربیت پیش بگیرد؛ بین والدین روابط حمایت کننده ای برقرار باشد و پدر یا مادری که سرپرستی کودک را به عهده ندارد بتواند به طور مرتب بچه را ببیند و جوی عاطفی در خانه برقرار باشد، به نحوی که کودک بتواند درباره مسائل طلاق آزادانه صحبت کند (ماسن، ۱۳۸۳، ترجمه یاسایی).

پدر و مادر در صورتی که از لحاظ درونی سالم و سازگار بوده، رابطه گرمی با کودک داشته باشند، کودک را قادر می کنند تا با مسئله طلاق بهتر کنار بیاید. پسری که بعد از طلاق والدین با مادرش زندگی می کند می تواند به داشتن رابطه خوب با پدر ادامه دهد. پسرنانی که چنین رابطه ای را با پدرشان حفظ می کنند کنترل بیشتری بر خود دارند و نمره های بهتری در مدرسه، به خصوص در ریاضیات، می گیرند (گودیوبالدی و دیگران، ۱۹۸۳).

پرسش فوق الذکر طی مطالبی که در این مقاله عنوان نمودیم پاسخ داده شد. لیکن در این قسمت از مقاله سعی خواهیم کرد به گونه ای خلاصه به موارد حائز اهمیت در مسیر رفتار صحیح با کودکان به جا مانده از یک پیوند نافرجام اشاره کنیم.

(۱) پیش از فرا رسیدن زمان جدایی به بچه ها بگویید که چه تصمیمی گرفته اید. این امر به آنها فرصت می دهد که خود را برای جدایی والدینشان آماده سازند.

(۲) دلیل این تصمیم گیری را به کودکان بگویید. این امر به پیشگیری از این باور شایع که خودشان باعث جدایی شده اند، کمک می کند.

(۳) هنگام ارائه توضیحات درباره تصمیم خود، سن و شرایط عقلی و عاطفی کودک خود را در نظر داشته باشید.

(۴) راجع به تغییرات احتمالی بعدی توضیحاتی بدهید،

مانند لزوم رفتن به محله ای جدید یا مدرسه ای دیگر، کم شدن پول توجیبی و...

(۵) بچه ها را آزاد بگذارید تا خشم خود را ابراز کنند. این کار از مشکلات آینده و دراز مدت خواهد کاست.

(۶) از مجبور کردن بچه ها برای انتخاب بین والدین یا طرفداری از هر یک اجتناب کنید.

(۷) اجازه دهید کودک هر از چندگاه خودش تصمیم بگیرد که چه زمانی با والد غیر مراقب خود خواهد بود.

(۸) هیچ گاه از والد غایب نزد کودک بدگویی نکنید.

(۹) از کودکان به عنوان وسیله ارتباطی استفاده نکنید. از او نخواهید نظریات شما را به والد غایب انتقال دهد.

(۱۰) نزد کودک محاسن والد غیر مراقب را بیان کنید و علت طلاق را به هیچ وجه به ناچور بودن همسر، بد رفتاری وی و مسائلی از این دست نسبت ندهید. اجازه دهید کودک همواره دیدی مثبتی بر احترام به طرفین درگیر داشته باشد.

(۱۱) هنگام بروز مشکلاتی برای کودک در زمینه تحصیل، روابط اجتماعی، مدرسه و همسالان، سریعاً والد غیر مراقب را در جریان بگذارید و به کودک نشان دهید که هر دو برای حل مشکلات وی اقدام می کنید.

(۱۲) و سرانجام این که وقوع یک حادثه بد و تلخ را برای کودک دلبنده خود تلخ تر نکنید. با رفتاری صحیح و عاقلانه از تلخی حادثه مذکور در ذهن و روان کودک خود بکاهید.

فهرست منابع:

- ماسن، هنری و همکاران (۱۳۸۳). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.

- ساراسون، ایردن جی و ساراسون، باربارا، آر. (۱۳۸۲). روان شناسی مرضی. ترجمه دکتر بهمن نجاریان و همکاران. تهران: انتشارات رشد.

- Hetherington, e.M., Cox, m., Cox, r. (1979). Family interaction and the social, emotional and cognitive development of children following divorce. In v. Vaughan and t.B. Barzelton (eds), the family setting priorities. New york: science and medicine publishing.

- Wallerstein, j.S., And kelly, j.B (1980). Surviving the break up: how children and parents cope with divorce. New york: basic books.

- Hetherington, e.M., and camara, k.A. (1984). Families in transition: the processes of dissolution and reconstitution. In r.D. Parke (ed), reviw of child development research: voi. 7. The family. Chicago university of chicago press.

- Guidubaldi j., Perry, j.D., And clemshaw, h.K. (1983). The legacy of parental divorce: a nation wide study of family status and selected mediating variables an children's academic and social competencies. School psychology review, 2, 148.